

فقر فلسفه



۴

- کارل مارکس
- ترجمه وحید اسلامزاده
- انتشارات اندیشه احسان
- ۲۷۰ صفحه
- ۵۴ هزار تومان

این کتاب در پاسخ به نظرات آثارشیرست فرانسوی پیر-ژوزف پرودون در کتاب «فلسفه فقر» نوشته شد. این کتاب علیه گرایش‌های فرمیستی در جنبش کارگری است و یکی از مهم‌ترین آثار تئوریک سوسیالیسم علمی به شمار می‌رود. مارکس در این کتاب برای نخستین بار اصول تعالیم ماتریالیستی خود را در مورد قوانین مربوط به تکامل اجتماعی منتشر کرد.

نقد فلسفه حق هگل



۵

- کارل مارکس
- ترجمه محمود عبادیان و حسن قاضی‌مرادی
- انتشارات اختران
- ۴۱۶ صفحه
- ۱۲۰ هزار تومان

کتاب عناصر کلی فلسفه حق یا خطوط کلی حقوق طبیعی و علوم دولتی اثر اصلی هگل در زمینه نظریه سیاسی، برجسته‌ترین اثری است که در زمینه فلسفه حقوق و مشخصاً حقوق سیاسی تا زمان او نوشته شده بود. از نقدهای مهم مارکس در این کتاب انتقاد به انتزاعی بودن بحث‌های هگل درباره دیالکتیک است. مارکس در این کتاب به بیان نظریات خود در زمینه از خودبیگانگی، کارکرد مذهب، دیالکتیک هگلی و ... پرداخته است.

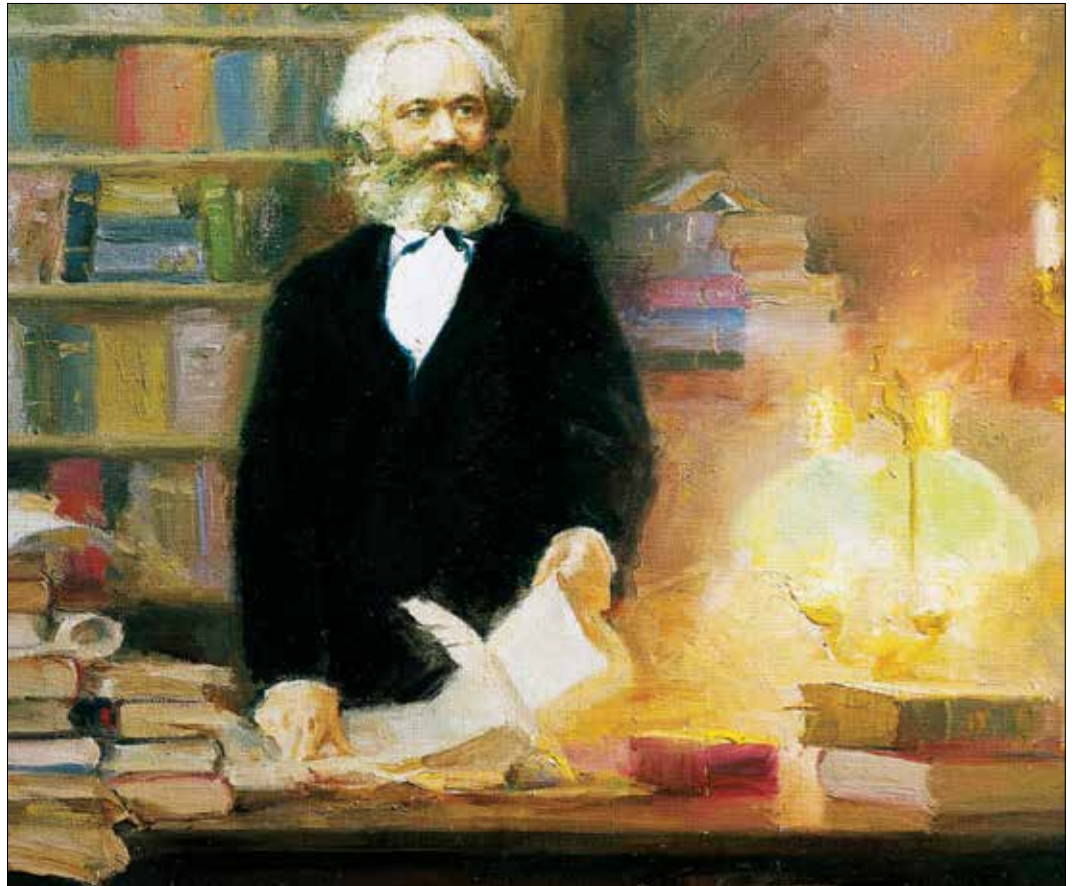
درباره مسأله یهود



۶

- گامی در نقد فلسفه هگل
- کارل مارکس
- ترجمه مرتضی محیط
- انتشارات اختران
- ۱۰۴ صفحه
- ۳۰ هزار تومان

این کتاب اولین بار در سال ۱۸۴۴ در پاریس در سالنامه آلمانی - فرانسوی منتشر شد و یکی از نخستین تلاش‌های مارکس برای توسعه مفهوم ماتریالیستی از تاریخ بود. مارکس در این اثر به نقد آرای «برونو باور» در کتاب «مسئله یهود» می‌پردازد و از مقاله بائر به عنوان فرصتی برای تحلیل خود از حقوق لیبرال استفاده می‌کند و استدلال می‌کند که بائر در این فرض که در یک «دولت سکولار» دین دیگر نقش برجسته‌ای در زندگی اجتماعی نخواهد داشت، اشتباه می‌کند.



سود را توضیح می‌دهد، باز یک سطح دیگر به واقعیت مشخص نزدیک‌تر می‌شویم. به این ترتیب شاهد هستیم که خود فرآیند کاپیتال‌ها فرآیند حرکت از امر مجرد به امر مشخص است. در این جلد نویسنده به جای سخن گفتن انتزاعی از «سرمایه‌دار» و «ارزش اضافی» که سرمایه‌دار از «کارگر» بیرون می‌کشد، به سرمایه‌داران صنعتی، بازرگانان، کارگزاران مالی و زمین‌داران به عنوان گروه‌های متمایز با منافع متمایز و انواع متمایز درآمد پرداخته است. مسائلی نظیر: «سود صنعتی، سود بازرگانی، بهره و رانت.»

در این جلد سرمایه‌داری را در شکلی مشخص‌تر یعنی در شکل سرمایه‌های متفاوت توضیح می‌دهد. در شکل سرمایه‌های متعدد، هم به تفاوت سرمایه‌ها و هم به تعدد سرمایه‌ها می‌پردازد و البته در جایی تأکید می‌کند که سد واقعی تولید سرمایه‌داری خود سرمایه است. یعنی نفی سرمایه، سرمایه است. مارکس در پایان جلد سوم درباره‌ی طبقه صحبت می‌کند. بسیاری معتقدند که پس از این مارکس قصد داشته به سراغ روبنا یعنی دولت برود. به اعتقاد بسیاری نظریات مارکس در مورد دولت پیش پا افتاده و ابتدایی هستند و دولت را عمدتاً به عنوان ابزاری در دست طبقه اقتصادی مسلط می‌دید که به وسیله آن کار سرکوب طبقه فرودست را انجام می‌دهد. از این رو بسیاری بر این باور هستند که مارکس در سال‌های پایانی حیات ضرورت پردازش به دولت را در اندیشه خود دریافته بود اما مرگ به او اجازه این امر را نمی‌دهد.

کسانی که با جنبش‌های بزرگ طبقه کارگر آشنا هستند تأیید می‌کنند که نتایج این کتاب بیش از پیش به اصول بنیادی این جنبش‌ها تبدیل شده و در همه جا طبقه کارگر بیش از پیش این نتایج را درست‌ترین تجلی وضعیت و آرزوهای خود می‌بیند. سرمایه بر اثر نگاه دقیق و بررسی موضوعات مختلف توانسته خلا محتوایی مباحث اقتصاد سیاسی در آن اثر را پر کند و البته به لحاظ روش‌شناسی نیز اثر قابل تأملی به شمار می‌رود و شاید همین استواری نظری است که اکنون با وجود گذشت بیش از صد و پنجاه سال از انتشار آن هنوز نیز مورد ارجاع است.

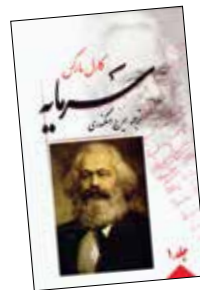
مارکس، برپایه دست‌نوشته‌هایی که تاریخ آن مربوط به اواسط دهه ۱۸۶۰ تا اواخر دهه ۱۸۷۰ است، جلد دوم را منتشر می‌کند و این مجلد برخلاف مجلد اول اثری نیمه‌تمام است. بنابراین نمی‌توانیم بپذیریم که اگر مارکس موفق به تکمیل آن می‌شد، در شکل و محتوای کنونی اش انتشار پیدا می‌کرد.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، جلد دوم سرمایه به موضوع گردش سرمایه پرداخته که سه جزء را در بر می‌گیرد: «سرمایه پولی، سرمایه مولد و سرمایه کالایی» که این موارد صرفاً سه مقوله مستقل سرمایه نیستند بلکه برعکس سه شکل سرمایه صنعتی یعنی مراحل جنبه واحدی از اقتصاد هستند. سرمایه ضرورتاً این سه شیوه وجود را به خود می‌گیرد. به این تعبیر آن‌ها شکل‌های متفاوتی هستند که «سرمایه در مراحل متفاوت خود، به قالب آن‌ها در می‌آید.» و رابطه متقابل آن‌ها موضوعی است که مارکس می‌کوشد در جلد دوم به آن بپردازد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد جلد دوم، بحث آن درباره رابطه بین زمان تولید و زمان گردش است. زمان تولید عبارت است از مدتی که طول می‌کشد تا محصول تولید شود (زمان کار) و نیز وقفه‌هایی در فرآیند تولید که برای فراهم کردن دوباره وسایل تولید، نیروی کار و غیره لازم است. این وقفه‌ها ارزش تولید نمی‌کند. بنابراین گرایش تولید سرمایه‌داری، کوتاه کردن هر چه بیش‌تر فزونی زمان تولید به زمان کار است. در سوی دیگر زمان گردش به زمانی اشاره می‌کند که طی آن سرمایه در سپهر گردش باقی می‌ماند. زمان گردش و زمان تولید متقابلاً یکدیگر را دفع می‌کنند زیرا زمان گردش هر چند برای بازتولید سرمایه‌داری ضروری است نه ارزش تولید می‌کند و نه ارزش اضافی می‌کند. به این ترتیب هر چه زمان گردش به صفر نزدیک‌تر باشد، کارکرد سرمایه بیش‌تر، بهره‌وری و خودارزش‌افزایی آن بزرگ‌تر خواهد شد.

جلد سوم: فرآیند تولید سرمایه‌داری در کل

مارکس سرانجام در جلد سوم به سراغ جهان واقعی می‌رود. در آغاز جلد سوم، با بکار گرفتن نظریه تبدیل که تبدیل ارزش به قیمت و ارزش اضافی به



این اثر در ایران نیز به تیع فعالیت نیروهای چپ مورد اقبال قرار گرفت و اگرچه جزوه‌هایی از مارکس میان این نیروها خوانده می‌شد اما نسبتاً دیر به سراغ ترجمه مهم‌ترین کتاب وی رفتند. نخستین بار کتاب به وسیله ایرج اسکندری عضو حزب توده ایران در سال ۱۳۵۲ به زبان فارسی ترجمه شد و انتشارات حزب توده ایران آن را منتشر کرد. مرتضوی در مقدمه ترجمه جدید به فارسی به تفصیل در مورد چرایی ترجمه مجدد این اثر توضیح می‌دهد